

## یادداشت ها

خوانندگان محترم مجله آر یا تا مسبوق  
خواهند بود که چندی قبل پروفیسر «بن و نیست»  
عالم زبان شناسی فرانسه بغرض مطالعات زبانهای  
محلی افغانستان وارد کابل گردیده و بعد از توقف  
مختصری در مرکز شروع بسکار و مسافرتهائی  
در نقاط دور و نزدیک مملکت نمود که خوش  
بختانه بنده هم که با ایشان همراه بودم موقع  
یافتن که راجع به زبانهای مختلفه محلی نوتی  
هائی بگیرم و آنرا به آنر خواهنش دوست فاضل  
و گرامی بناعلی نعیمی مدیر مجله آر یا تا تقدیم نمایم :  
«م. نبی کهزاد»

شنبه ۲۳ جوزا : ساعت ۵ بعد از ظهر بغرض مطالعه زبان پراچی از کابل  
بطرف چهار بسکار و پروان برآه افتادم در حدود ساعت ۷ نیم بهارک جبل السراج  
مواصلت نمودیم و به منظور کسب معلومات راجع به حوزه این زبان تصمیم گرفتیم  
شبرا در همین جا بسکدرانیم تا بتوانیم از نزدیک معلومات بهتر و صحیح تری بدست  
آریم هر چند زبان پراچی قبلاً یعنی تقریباً در حدود ۲۵ سال قبل توسط عالم  
زبان شناسی نارویژی «مور کسنترین» مطالعه گردیده و مشارالیه کتابی هم  
نشر کرده است اما چون عالم مزبور مطالعات خود را بهمدستی چند نفر پراچی  
در کابل انجام داد و در خود منطقه زبان پراچی مسافرتی نه نموده است بنابراین  
برای تثبیت قطع نقاطی که این زبان در آن جاها حرف زده می شود کدام نظریه  
صحیح و دقیقی در نزد ما نبود تا سر راست و بلادرنگ بسکار خود شروع نمائیم  
بنابران بغرض اخذ معلومات در جبل السراج توقف نمودیم .

جبل السراج :

یکشنبه ۲۴ جوزا : صبح در حدود ساعت ۷ شروع بکار نموده در سدد یافتن یکی دو نفر شتلی هائیکه زبان پراچی حرف می زنند بر آمدیم تا از خود پراچی زبانها راجع بزبان و نقاط دور و نزدیک که در آنجا این زبان حرف زده می شود معلوماتی بدست آریم تا اینکه بالاخره بدریافت دو نفر موفق گردیدیم هر چند اشخاص مذکور از رهگذر زبان چندان خوب و مورد اطمینان نبودند معذالك توانستیم پاره معلوماتی راجع به دره شتل بدست آریم و بعد چنین تصمیم گرفتیم تا بعد از چاشت قدمی فراتر نهاده خود را به گل بهار برسانیم و از آنجا معلومات بیشتری راجع به شتل و منطقه زبان پراچی حاصل نمائیم همان بود که در حدود ساعت ۳ از جبل السراج بقصد گل بهار عزیمت نموده در حدود ساعت دو و نصف کنار رود خانه خروشان پنجشیر و شتل پیاده شدیم و درین جا که از دره شتل بیش از چند کیلو متر مسافه ندارد بایک تعداد زیاد شتلی ها برخورد نمودیم که قریب ۲ نیم ساعت با آنها کار کرده و بر علاوه اینکه بک تعداد زیاد لغات پراچی نوت کردیم معلوماتی هم راجع به راه و رفتن به شتل بدست آوردیم بالاخره بعد از انجام کار و گردش مختصری دوباره به جبل السراج عودت نمودیم .

پرتال جامع علوم انسانی

شتل

دوشنبه ۲۵ جوزا : در حدود ساعت ۸ و چند دقیقه صبح از جبل السراج بقصد

دیدن شتل و بانزدیک ترین منطقه زبان پراچی به جبل السراج حرکت نمودیم موثر سرعت راه می پیمود هنوز پوره نیم ساعت نگذشته بود که ببازار گل بهار رسیدیم و از آنجا راه پنجشیر را پیش گرفته به مسافرت خود ادامه دادیم و بالاخره بفاصله ۱۰ کیلو متری گل بهار در نقطه موسوم به « دالان سنک » در پهای کوتل نسبتاً مرتفعی پیاده شدیم و آهسته آهسته عقب رهنمای خود روان گردیدیم تا اینکه بعد از بسکعات بر فراز کوتل رسیدیم و از دور دره شاداب و سر سبز شتل که رودخانه خروشان و کف آلود آن حقیقتاً خیلی زیبا و قابل دیدن است



نظر ما را بنخود جلب نمود. دره شتل که بجانب شمال غرب گل بهار واقع است دره ایست کم عرض بشکل نیم دایره که از شمال شرق بجانب شمال غرب امتداد یافته است پیداوار آن عبارت از کندم ، چو ، جواری ، باقلی ارزن بوده و اشجار آن بیش از همه نوت و چار مغز است ، این دره کوچک مشتمل بر چندین ده است که مهمترین آن قرار ذیل است :

چیلانک ، جانان جوی ، بوستان ، که هر سه ده بزبان فارسی حرف می زنند ده کلان بانقطه که ما در آنجا به مطالعه پرداختیم ساکنین آن پراچی حرف می زنند .

اندراپی سات ، آرزاه که ساکنین آن نیمه پراچی و نیمه فارسی تکلم میکنند . کندا روی دره که این دو نیز فارسی زبان اند بالاخره اخمدان دور که این ده هم پراچی حرف می زند :

آهسته آهسته با نظرف کوتل فرود آمدیم اهالی از دور باستقبال ما پیش آمده و با حرارت زیاد از ما پذیرائی نمودند . و ما را در کنار رودخانه رهبری کردند که در آنجا بعد از صاحب مختصری شروع بکنار و نوت گرفتن لغات زبان پراچی نمودیم و تا حدود ساعت ۴ باینکار مصروف بودیم . ساکنین این دیار چنین عقیده دارند که اجداد آنها از نجراب مهاجرت نموده و درین جا مستقر و متوطن گردیده اند چنانچه تا امروز ارتباط و علایق خویشاوندی آنها برقرار است قرار نظریه موگنسترن عالم زبان شناسی نارویژی در قریه کورابه پنجشیر که در ساحل چپ و فراز رودخانه پنجشیر بفاصله ۱۴ کیلومتری گل بهار واقع است هم زبان پراچی حرف زده می شد که امروز قرار تحقیقاتیکه بعمل آوردیم این زبان بسکلی مرده و از بین رفته است ناگفته نماند که قراریکه بملاحظه رسید در دره شتل هم زبان پراچی بیش از ۱۵ - ۲۰ سال د بسکری دوام ننموده

و جای آنرا بکلی زبان فارسی خواهد گرفت چنانچه امروز هم جمیع ساکنین این دیار بر علاوه زبان مادری خود بزبان فارسی هم تکلم می نمایند . - دامنه مطالعات ما تا حوالی ساعت ۴ عصر ادامه یافته بعد از گردش مختصر در امتداد رودخانه آهسته آهسته راه کوتل را پیش گرفتیم و در حدود ساعت ۵ عصر بود که پهای کوتل کنار رودخانه ینجشیر رسیده ذریعه موتر بطرف اقامتگاه خود یعنی جبرالسراج حرکت نمودیم .

سه شنبه ۲۶ جوزا : چون در حوزة کوهستان و کوهدامن درة شتل یسگانه منطقه زبان پراچی بوده و در دیگر نقاط این زبان حرف زده نمیشود بنا برین چنین تصمیم گرفته شد تا اینجا را ترک کفتمه جانب نجراب یعنی ناحیه دیگری که در آنجا هم پراچی حرف زده می شود حرکت نمائیم . همان بود که ساعت ۷ و نصف صبح از جبلالسراج بقصد نجراب برآه افتادیم و تقریباً سه ساعت و ۴۰ دقیقه روی سر کی در حرکت بودیم که قسمت بزرگ آن مشجر بوده و آبهای جاری فاصله بفاصله در امتداد آن دیده می شد . بالاخره قریب چاشت بود که در محلی موسوم به خارج درة قریب <sup>شکاه علی</sup> <sup>مطالعات</sup> <sup>فراگده</sup> <sup>شدیم</sup> چون در نجراب تنها در دو نقطه یعنی در «غجلان <sup>قال</sup> <sup>بچمان</sup> <sup>علو</sup> <sup>عزلان</sup> <sup>پراچی</sup>» حرف زده میشود بنا بران بعد از صرف نان در صدد برآمدیم تا هرچه زود تر اگر ممکن شود بیکی ازین دو نقطه خود را رسانیده شروع بکار نمائیم اما متأسفانه معلوم ما اینکه راجع به وضعیت راه و مسافه غجلان از خارج دره بما داده شد هر دو صحیح نبود بنا بران بعد از آنکه یکساعت و نصف به موتر مسافت نمودیم بعلت خرابی زیاد راه و مسافه زیادی که هنوز به غجلان مانده بود مجبور شدیم در پایان روز به خارج درة مراجعت نمائیم و شب در آنجا بگذرانیم .

نجراب شامل ۵ درة بزرگی است که عبارتند از : درة کلان - دره غوث .

دره پوته - دره بچه غان - خارج دره : که هر کدام چندین کیلو متر طول



داشته و سراسر سرسبز و شاداب می باشند چون مسافرت ما در نجراب به منظور مطالعات زبان شناسی بوده از رهگذر توریزم بنا بر آن یگانه دره که ما بغرض مطالعه و کار چندین روز در آنجا گشت و گذار نمودیم همانا دره پیچه غان بود.

چهارشنبه ۲۷ جوزا : صبح ساعت ۹ ونیم به سواری اسب بطرف پیچه غان حرکت نموده ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه بقریه دولت خان خیل موصلت نمودیم ساکنین این دره بزرگ که شامل دوهزار خانه می باشد بزبان پراچی ' فارسی ' پشتو و پشه‌ئی حرف می زنند قریه های معروف این دره که از دهن دره پبالا واقع شده اند عبارت است از قریه غبن ' بجیمی خیل ' دولت خان خیل ' حسین خان خیل ' پشه‌ئی ' قریه دو قومی ' ابراهیم خیل ' لوکا خیل ' میرخان خیل ' ذکر یا خیل ' خواجه غار . دامنه مطالعات ما در قریه دولت خان خیل تا حوالی ساعت ۴ عصر دوام نموده بعد بغرض تطبیقات جانب قریه پشه‌ئی روانه گردیدیم و شب هم در همانجا بسر بردیم .

پنجشنبه ۲۸ جوزا : تقریباً دایم بنا بر قلت وقت بیش از يك روز و بایك شب در قریه های مختلف بوده نتوانستیم زیرا در نظر داشتیم از هر نقطه که تصور میرفت معلوماتی راجع به زبان پشتو آری بدین معانی بهین منظور روز پنجشنبه صبح از قریه پشه‌ئی بقصد قریه حسین خان خیل حرکت نمودیم که بعد از یکساعت و نصف در آنجا رسیده شروع بکار نمودیم و تا حوالی ساعت ۵ و نصف در آنجا باقی ماندیم و بعد جانب قریه دیگری موسوم به لوکا خیل براه افتادیم و شب هم در همین قریه بودیم .

جمعه ۲۹ جوزا : شب جمعه و روز جمعه در قریه لوکا خیل مشغول مطالعه بوده و نیز ضمناً تحقیق می نمودیم که آیا در نواحی تکاب هم زبان پراچی حرف زده می شود و با خیر زیرا از معلوماتیکه در دست داشتیم چنین استنباط میگردید که بجز در دره شتل و نجراب در نقطه دیگری این زبان حرف زده نه می شود

اما در بعضی جاها از زبان مردم شنیده می شد که می گفتند در تکاب هم پراچی حرف می زنند و حالانکه حقیقت این بود که آنها پراچی و پشه ئی را با هم مخلوط می کردند و تصور می نمودند پراچی است معذالك برای رفع اشتباه در نظر گرفتیم روز شنبه جانب تکاب حرکت نموده و از نزدیک مطالعاتی بعمل آریم باین منظور در پایان روز جانب قر به غین که به تکاب نزدیکتر می شود حرکت نمودیم و شب در همانجا بسر بردیم .

شنبه ۳۰ جوزا : روز شنبه پروگرام گردش و کارها در ناحیه نجراب خاتمه

یافتند و بطرف تکاب حرکت نمودیم بعد از دو ساعت و نصف مسافت به اسپ یعنی بعد از برآمدن از دره معروف پچه غان به سواری و نر جانب تکاب به مسافت خود ادامه دادیم هر آن نسبت به نجراب آهسته آهسته گرم گردیده خشکی و کم آبی بصورت محسوس احساس میگردید . تکاب هر چند از ناحیه نجراب بسیار دور نیست و از نقطه نظر جغرافیائی تنها سلسله کوهی این دو منطقه را از هم جدا می سازد اما وقتی که انسان از يك ناحیه به ناحیه دیگر می رود اختلافات زیادی را مخصوصاً از نقطه نظر زراعت و سرسبزی مشاهده می نماید پیدا وار و محصول بزرگ و مهم تکاب عبارت از انار است که سالانه مقدار فوق العاده زیاد به هند صادر می گردد از نقطه نظر تجارتنی نیز تکاب آبنده در خشائی دارد مخصوصاً و مطالعاتی که روی در یای کا بل پلی کشیده شود که تکاب را به سروبی وصل سازد در آن زمان نه تنها تکاب بلکه تمام حوزه کایسا روی جاده بزرگ تجارتنی و باستانی قرار میگیرند تا گفته نماید که از سر راه قدیمی که از کند ها را گذشته به با میان و بلخ منتهی میگردید بعضی مسکوکات مختلفی بدست می آید که قدمت این جاده تاریخی را تأیید می نماید . در نتیجه تحقیقاتی که روز شنبه بعد از ظهر بعمل آوردیم بصورت قطع معلوم گردید که از زبان پراچی در حوزه تکاب اثری نیست و تنها زبانی که بر علاوه فارسی و پشتو درین جا حرف زده می شود همانا زبان پشه ئی است باین ترتیب دامنه مسافت ما در تکاب و نجراب بانجام رسیده و تصمیم گرفته شد فردا بطرف جبل السراج حرکت نماییم .



یکشنبه ۳۱ جوزا : در حدود ساعت ۹ و ربع از حکومتی تسکاب بقصد جبل‌السراج برای افتادیم و تصمیم گرفتیم تا از قریه کورابه پنجشیر که قرار نظریه مور کینسترن در آنجا پراچی حرف می‌زنند دیدن نمائیم باین منظور چاشت را در کسل بهار گذرانیده و بعد از ظهر بجانب کورابه حرکت نمودیم کورابه عبارت از اولین قریه است واقع در ساحل چپ فراز رود خانه پنجشیر که روی هم‌رفته مجموع تمام خانه‌های آن از ۳۰-۳۵ خانه تجاوز نه می‌نماید و قرار تحقیقاتیکه بعمل آوردیم امروز از - زبان پراچی اثری هم باقی نمانده و بسکلی مرده است و جای آنرا زبان فارسی گرفته است در زبان روز از کورابه به طرف جبل‌السراج مراجعت نموده و شب در همین جا باقی ماندیم .

دوشنبه ۳۲ جوزا : بغرض تسکیمیل بعضی نوت‌ها را جمع بزبان پراچی صبح

روز از جبل‌السراج بطرف کسل بهار حرکت نموده با چندین نفر شتلی در باغ مشغول مطالعه و کار کردیم و اتفاقاً در بین این شتلی‌ها بایبر مردی برخوردیم که ۲۵ سال قبل در کابل باه‌ور کینسترن عالم زبان شناسی نارویژی کار نموده بود و همان تشریحاتی را که در مورد اشتقاق کلمه « شتل » برای نامبرده داده بود برای ما نیز تشریح نمود . قراریکه در فوق اشاره نمودیم اهالی شتل چنین عقیده دارند که اجدادشان در حدود ۶-۷ صد سال قبل از هجرت مهاجرت نموده درین دره متوطن گردیده اند این پیر مرد شتلی که غلام محی‌الدین نام دارد از « ده گلان » شتل می‌باشد در مورد اسم « شتل » باقرار نظریه نامبرده صحیح‌تر تلفظ کنم « چوتل » چنین اظهار نموده می‌گوید هنگامیکه مهاجرین از نجراب باین سمت سرا زبر گردیدند و متوجه این دره غیر مسکون شدند ندائی بر آورده گفتند : « چو-تل » ( برو تما شا کن ) قرار مشاهدات این جانب تعداد پراچی زبانهای دره شتلی به قریب صد خانه و از نجراب به دو صدخانه بالغ می‌گردد . شتلی‌ها عموماً مردمان قدیست و متوسط بوده و در حالیکه خیلی بی بضاعت و فقیر هستند اشخاص مهمان نواز با عاطفه می‌باشند .

زبان پراچی که از خانواده زبانهای آریائی است زبانی است که برای اولین مرتبه «بابر» در ترک خود از آن نام برده است. مشارالیه چنین می نویسد که در کابل و اطراف آن ۱۱ - ۱۲ زبان مختلف از قبیل عربی، فارسی، ترکی مغولی، هندی، افغانی، پشهائی، پراچی، جبری، برکی و لغمانی حرف زده می شود. قدری بعد یعنی در قرن شانزدهم امیرالبحر ترکی سیدی علی از «فراسی» قبیله که در نزدیکی پروان زندگی می کرد نام می برد. خلاصه اینکه زبان پراچی ناموقع و رور مودگنسترن در کابل بکلی مجهول بوده در سال ۱۹۲۴ عیسوی حین اقامت پروفیسر مذکور کشف گردیده باین ترتیب که در حالیکه نامبرده بایسکنفر پشه زبان قریه «کهنه ده» واقع در مجاورت گل بهار مشغول کار و تحقیقات را جمع بزبان پشه می بود نفر مذکور راجع بیکمی از دوستان شتلی خود حرف بمیان آورده و اظهار داشته است که در دره شتل زبان مخصوصی که پراچی نام دارد حرف می زنند و نیز ضمناً چند جمله را که از آن زبان فرا گرفته بود مانند (نفون خور بمن) نان می خورم و (او تیر بمن) آب می نوشم و غیره را طور مثال ذکر نموده بود که بعد ها یکنفر پشه می زبان دیگر از اهل تلاب گفتار شخص مزبور را تأیید نموده که بزبان قریه بیچه غان در بجر و هم نان را (نفون) میگویند. باین ترتیب توجه پروفیسر مذکور باین زبان معطوف و شروع به تحقیقات نموده است.

باقی دارد

رساله علم علوم انسانی



در این شماره از رساله علم علوم انسانی، مقاله‌ای در مورد زبان پراچی و ارتباط آن با زبان‌های آریایی در دسترس است. این مقاله به بررسی ویژگی‌های دستوری و صرفی این زبان می‌پردازد و سعی دارد تا به این نتیجه برسد که پراچی چگونه با سایر زبان‌های این خانواده ارتباط دارد. همچنین به بررسی واژگان خاص این زبان و تطبیق آن با واژگان زبان‌های همسایه پرداخته شده است. این مطالعه می‌تواند به شناخت بهتر تاریخچه و مهاجرت قبایل آریایی در منطقه کابل و اطراف آن کمک کند.